

زن در ایران باستان

اسناد ومدارك در مورد شناسایی زن در دوران کهن بسیار نارسا و کم است و بطور کلی بررسی جوامع ابتدائی اقوام وملتها بوسیله آثار ووسائل زندگی و آنچه از آنان به جای مانده امکان پذیر می گردد .

برای آنکه اطلاعاتی از وضع زن در جوامع اولیه سرزمین خود به دست آوریم ناچار بایستی از آثار موجود استفاده کرد .

در دورانی که شاید در حدود ده هزار سال قبل از میلاد باشد تغییراتی در وضع اقلیمی ایران پدید آمد و انسان غارنشین که برای شکار از ابزار سنگی استفاده می نمود موفق به تهیه ادوات و ابزار استخوانی گردید و در ضمن ظروف سفالین نیز ساخته شد. این ظروف چنانکه در آثار هزاره های بعدی مشاهده می شود و در زندگی آن روزها مهمی بسزا داشت و از عوامل مهم بشمار می آمد بوسیله زنان تهیه میگردید .

در نقوش مهرهای مربوط به هزاره چهارم که از نقاط مختلف ایران مانند سیلک (کاشان) و شوش به دست آمده مشاهده می شود که زن به کار کوزه گری مشغول است .

در جامعه اولیه ایران کهن زن وضع ممتازی داشت و صاحب قدرت فراوان بود چنانکه حفاظت آتش که کاری بسیار مهم بود به عهده وی سپرده شده بود .

استعداد و هوش و قدرت زن در انجام کارهای مفید و مهرورزی و عطوفت که غریزه طبیعی وی بود او را صاحب نفوذ و حتی برتر از مرد کرد و بتدریج وضع «مادرشاهی» را به وجود آورد .

خاصیت زن یعنی مادر بودن و ایجاد نسل و حراست کانون خانواده ، بحکم ضرورت او را بصورت روحانی و با مقامی الهی جلوه گر ساخت و سرانجام مظهر حیات و آفرینش والهه مادر و با روری گردید . مقام زن در نزد ساکنان اصلی فلات ایران بآن حد والا بود که بعدها آریاییها آن را کسب کرده و جزو سنت خود قرار دادند .

در دوران هزاره پنجم ق. م. که بسیاری از مناطق خشک شد و سرزمینهایی از آب بیرون آمد و قابل کشت و زرع گردید و بمناسبت این تغییرات و عوامل طبیعی پیشرفتی در وضع زندگی مردم حاصل شد. تشکیل خانواده و قبیله و ارتباط آنها با یکدیگر اثر فراوانی در وضع صید و شکار و کشت و زرع و اهلی کردن حیوانات و گله داری داشت به این جهت اصول کشاورزی پایه گذاری شد و زن که حافظ و نگهبان خانواده به شمار می آمد به جمع آوری حبوبات و دانه ها و میوه ها پرداخت و سعی در شناسایی نباتات و ریشه های گیاهان نمود و شاید ضمن این فعالیت به خواص پاره ای از نباتات و ریشه های گیاهی نیز پی برد و این ابداعات موجب توسعه امور کشاورزی و حفظ و حراست بیشتر کانون خانواده گردید . به دست آمدن تعداد زیادی حلقه های دوک نخ ریزی که از گل پخته است و مهرهایی با نقوش زنانه که به ریسندگی مشغول می باشند نشانه آن است که زنان بکار نساجی نیز اشتغال داشته اند.

در این دوره زن نه تنها به امور مهم می پرداخت و از صبح تا شام وقت خود را وقف آسایش خانواده و تهیه غذا و بچه داری که جزو وظایف مسلم او می باشد می نمود بلکه تفریح و نشاط محیط زندگی را از یاد نبرد، و به رقصی که می توان آن را نوعی هنر غریزی و در ضمن عبادت مقدس نامید می پرداخت. گاهی رقص دسته جمعی انجام می گرفت و مردان یا زنان همراه بودند و یا فقط گروهی از زنان بر رقص بر میخواستند. ضمناً در تصویر منقوش بر روی قطعات سفال که از سیلک کاشان مربوط به اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد بدست آمده و در قطعات دیگری که از چشمه علی ری و از تپه های ما قبل تاریخ تخت جمشید یا نقاط دیگر فارس کشف شده است گروهی از زنان در حال رقص با حرکاتی زیبا و مطلوب دیده می شوند که گویی با آهنگ نشاط آور قدم بر می دارند.

گاهی در زمینه بعضی از نقوش نیز ستاره ای که مظهر خورشید و روشنایی است قرار دارد. بدون تردید این نقوش علامتی است از اینکه رقص برای پرستش خدای روشنی انجام می گرفته است.

در لوحه سنگی مکشوفه در شوش (۱) که صحنه مجلس بز می از بزرگان را می نمایاند دور قاسه عریان در حال رقص دیده می شود. در مجسمه مفرغی که از نهاوند به دست آمده است نقش زنی که با بازوان گشاده ایستاده و با حرکاتی موزون می رقصد مشاهده می شود. در انواع رقصهای انفرادی یا دسته جمعی که رقصان به ردیف یا دایره وار ایستاده اند دست یکدیگر را گرفته و دستمال یا حلقه ای به دست دارند و با هیجان و هم آهنگی به رقص مشغولند (۲).

در این نقوش زنها گاهی عریان و یا نیمه عریان و یا با پوشش کامل هستند که موهای آرایش یافته آنها به برازندگی آنان می افزاید. با تحقیقی که در این آثار به عمل آمده چنین به نظر می رسد که پاره ای از رقصها بنا بر غریزه انسانی برای شادی و تفریح بوده و پاره ای جنبه مذهبی داشته و یک نوع عبادت محسوب می شده اند. زن خاصیت فطری خود را که زیبایی است همیشه در نظر داشته و در راه برازندگی و جلوه گری کوشش بسیار به کار برده است. علوم انسانی در حفاریهای مکشوفه مربوط به ما قبل تاریخ، ظروف كوچك و ظریف از سفال و مرمر عطردان و جای ادویه معطر و هاون سنگی یا مرمری برای سائیدن مواد آرایش به دست آمده است. مجسمه بتها، الهه ها (۳) و شاهزاده خانمها و ملکه معرف انواع لباس و

۱- لوحه سنگی منقوش در موزه لوور پاریس است.

۲- این نوع رقص مانند پاره ای از سنن با گذشت هزاران سال باز هنوز در بین ایلات و نواحی مختلف ایران متداول است.

۳- توجه به تزیینات بجدی است که در مجسمه های لخت الهه باروری یا الهه مادر و فراوانی انواع وسایل زینتی به کار رفته است مانند مجسمه سفالی تورنگ تپه گرگان که الهه مادر لخت ایستاده و گردن بدها به گردن و دستبندها به دست دارد.

کلاه و تزیینات و زینت آلات هستند. توجه به آرایش زنان، جامعه ابتدایی را برانگیخت که حتی برای زندگی پس از مرگ نیز در این باره بیندیشند، لذا در قبور زنان در کنار وسایل زندگی آلات و ادوات زینتی مانند دستبند و گوشواره و گردنبند و سنجاقهایی از سنگهای قیمتی و انواع صدف کشف شد، است که گواهی بر این مدعاست.

در نقش برجسته سرپل ذهاب کرمانشاه هزاره سوم) الهه بسیار زیبایی پیروزی نمایانده شده است که حلقه قدرت را به شاه لولوئی می‌دهد. در این نقش کلاه و لباس الهه با تزیینات مختلفی آراسته شده است.

نقش بسیاری از سنجاقهای برنزی لرستان یا مجسمه‌ها (هزاره دوم قبل از میلاد) (۱) مربوط به موضوعات دینی و اساطیری در صفحات برنزی مدوری که کشف شده تصویر الهه‌اشی (۲) واله بارداری که همان الهه مادر دوران کهن می‌باشد نقر است. در یکی از این قطعات مکشوفه زنی در حال رقص دیده می‌شود که يك رقص مذهبی اجرا می‌کند و جزو روحانیون است و قطعا خادم معبد اناهیتا الهه بزرگ آبها و چشمه‌سارها و فراوانی و پاکی است.

در اوستا بارها از این فرشته یاد شده است و ناهید جزو ایزدان آریایی آمده است (۳) آئین این الهه بزرگ در ادوار بعدی حفظ گردید و ستایش او ادامه پیدا نمود. چنانکه سلوکیها در معابد خود او را بصورت آرتمیس پذیرفتند. معبد بزرگ اشکانی در کنگاور و وقف پرستش آیین اناهیتا بوده است (۴) که آثار گرانقدر او با وجود ویرانی برجای مانده است. در دوره ایلامیها از وضع اجتماعی زنان بی‌اطلاع هستیم ولی نقوش مختلفی که از این دوران به دست آمده معرف اهمیت زن در جامعه ایلامی است. در لوح سنگی اونتاشگال (۵) شاه ایلامی و همسرش، ناپیراسو، (۶) روبه‌جانب زنی که مادر وی می‌باشد بحالت احترام ایستاده‌اند، مجسمه بسیار زیبایی از ملکه ناپیراسو در ارگ شوش کشف گردید (قرن ۱۳ ق. م) که وضع و حالت مجسمه زیبایی و جلال و برازندگی ملکه را با تزیینات مجلل و زر دوزی لباس که حاکی از قدرت وی است به نظر می‌رساند. در نقش دیگری شاه ایلام (۷) بامهربانی و لطف خاص به دختر کوچکش که در مقابل وی ایستاده هدیه می‌دهد و در نوشته ایلامی او را

۱- بسیاری از این سنجاقها یا بتها از حفاری لرستان (سرخدم) از ویرانه معابد به دست آمده است. شاید مردم آن دوران آنها را بعنوان نذر به آن معابد اهداء کرده‌اند.
۲- الهه‌اشی خواهر خدای سروش، خدای بزرگ عدالت می‌باشد که خروس مظهر وی است.

۳- ناهید یا اناهیتا یعنی پاك و بی‌آلایش.

۴- معبد کنگاور در کرمانشاهان واقع است.

۵- Untashgal

۶- Napir Assu

۷- این شوشیناک (Yn shushinak)

دختر عزیزم نام برده است.

در نوشته‌های دینی ایران باستان مکرر از مقام بزرگ و ارجمند زن گفتگو شده و زن را گرامی داشته و همردیف مرد بشمار آورده است.

در یشتها بارها از زنان پارسا و پاکدامن یاد شده که اغلب مورد ستایش قرار گرفته‌اند (۱) در آئین مزدائی زن در بین گروه ششگانه فرشتگان (امشاسپندان) یا ایزدان جاودانی جای داشته و سه تن از آنان زن بوده‌اند (۲) که از همه مهمتر سپندارمذ است که مظهر بردباری و نگهبان زمین و پاکی است و گل بیدمشک (۳) علامت اوست.

در شاهنامه فردوسی نام زنان بسیاری آمده است که آنان در تمام امور اجتماعی و رزم و بزم وارد بوده‌اند و نقشی موثری در جامعه داشته‌اند از آن جمله گردآفرید که در مقابل حملات تورانیان همراه مدافعان دیگر به دفاع از دژ سفید پرداخته است. گردیه خواهر بهرام چوبینه سردار بزرگ ساسانی که از خاندان بزرگ اشکانی است زنی زیبا و دلیر، عاقل و باتدبیر بوده است (۴).

در دوره هخامنشی اگر وضع زن مانند دوران کهن نبوده معذک مورد احترام و مقام ارجمندی را دارا بوده است.

ماندان مادر کورش دختر شاد ماد ازدهاک در بین پارسیان مظهر زیبایی و صفات عالیه بوده است. بسیاری از شاهزاده خانمها و ملکه‌های هخامنشی در سیاست و اداره کشور صاحب نفوذ بوده و در امور مملکت دخالت داشته‌اند.

مورخان قدیم بارها درباره احتراماتی که نسبت به زن مرعی شده و از مزایای فراوانی که بهره‌مند بوده یاد کرده‌اند. ملکه کاساندان زن کورش و مادر کمبوجیه که دختریکی از بزرگان پارس از خاندان هخامنشی (۵) بود، مورد احترام و محبت بسیار شاهنشاه ایران قرار داشت بطوری که در مرگ وی چنانکه هرودت نقل می‌کند کورش با وجود تألم فراوانی که داشته دستور داده مجالس سوگواری در بزرگداشت ملکه برپا کنند.

داریوش بزرگ برای تعیین ولیعهد علی‌رغم سنن معمولی که پسر بزرگ باید ولیعهد باشد، بنا بر خواسته ملکه آتس‌ها که زنی مدبر و کاردان بود فرزند وی خساریاشا را که پسر ارشد نبود به این سمت منصوب کرد و برای بزرگداشت آتس‌ها (۶) دستور داد که جسمه وی را از زر ساختند.

۱- پورداود. یشتها. فروردین یشت کرده ۳۰ و ۳۱.

۲- این سه تن عبارتند از خرداد و امرداد و سپندارمذ.

۳- این گل خوشبو که قبل از سایر گل‌های روید معمولاً در اول اسفند که جشن سپندارمذ

است باز می‌شود.

۴- برای مطالعه بیشتر در مورد گردیه به کتاب زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه

نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن مراجعه شود از صفحه ۴۰۵ تا ۴۳۳.

۵- فرنانسپس پدر کاساندان از دودمان هخامنشی است.

۶- آتس‌ها دختر کورش بزرگ است.

خاندان هخامنشی که دانش پرور و دوستدار فضل و هنر بودند (۱) توجه فراوانی به تربیت فرزندان خود اعم از پسر و دختر داشتند. هرودت در باره دختران کوروش این نظریه را تأیید کرده و آنها را اهل ادب و صاحب کمالات شمرده است.

مورخان ضمن توصیف مکرر از جلال و شکوه دربار شاهنشاهان هخامنشی به وصف زنان و شاهزاده خانمها پرداخته و سهیم بودن آنان را در تشریفات درباری چه در سفر و چه در حضر تأیید کرده اند.

سی سی گامبیس مادر داریوش سوم که زنی مقتدر و مورد احترام بود دستگامی پر تجمل مانند دربار سلطنتی داشته است. این زن قوی الاراده در دوران سقوط شاهنشاهی و شکست فرزندش شهامت اخلاقی خود را از دست نداده و چنان با بزرگمنشی با سردار مقدونی روبرو شد که مورد احترام وی قرار گرفت (۲).

در جامعه اشکانی تعدد زوجات در طبقه ممتاز بخصوص خاندان سلطنتی متداول بوده است، ولی فقط یک زن عقدی بوده و همو حراست و حفاظت کانون خانواده را به عهده داشته است. این زن می توانسته در صورت عدم رضایت از شوهر خود از وی جدا شده و طلاق بگیرد. در بین عامه مردم تعدد زوجات مرسوم نبوده و مرد فقط با یک زن پیوند زناشویی می بسته است و مرد با سانی نمی توانست زن عقدی خود را طلاق دهد. فقط در مواردی که زن عقیم و یا منحرف و یا به جادوگری می پرداخت شوهر می توانست از وی جدا شود.

شاهان اشکانی برای حفظ پاکی نژاد با خویشاوندان نزدیک ازدواج می کردند. ملکه معمولاً از میان شاهزاده خانمهای اشکانی انتخاب می شد و مانند شاه تاج بر سر می نهاد و از تجملات و امتیازات سلطنتی استفاده می کرد و عنوان الهه آسمانی (۳) می گرفت. ملکه های اشکانی معمولاً در امور دولتی یا سیاسی دخالتی نداشتند و فقط در یک مورد خلاف این وضع مشاهده می شود. ملکه موزا زن فرهاد چهارم پس از درگذشت شاه با پسرش فرهاد پنجم (فرهادک) در سلطنت مشارکت داشته است و در حقیقت این ملکه مملکت را اداره می نمود. بر سکه های این دوره تصویر فرهاد پنجم و ملکه موزا با تاج مجلل و جواهرنشانی نقر است و مجسمه نیم تنه مرمری بسیار زیبایی که جزو شاهکارهای هنری است از این ملکه موجود است (۴).

۱- داریوش در نقش رستم از اهورامزدا خدای بزرگ که به او دانش و خرد اعطا کرده سپاسگزاری می نماید.

۲- دیودور Diodore و کنت کورث Quint curce بارها در نوشته های خود برازندگی و شرافت و عفاف شاهزاده خانمهای هخامنشی را ستوده اند. در این مورد مراجعه شود به تاریخ مشیرالدوله صفحه ۱۳۱۹.

۳- بر سکه ملکه موزا این عنوان نوشته شده است.

۴- این مجسمه در موزه ایران باستان است.

در یکی از نقاشیهای روی گچ که از کوه خواجه بدست آمده است، تصویر شاه اشکانی را با ملکه نشان می‌دهد (۱).

در جزو آثار مهمی که از حفاریهای نسا (۲) اولین پایتخت پارتها کشف گردیده تعدادی مجسمه از زنان و ربه‌النوع‌ها و شاهزاده خانمها و زنان واله‌ها ازویرانه ساختمانها و معابد هتره بدست آمده است (۳).

در دوره ساسانی وضع اجتماعی زن اگر بحد مرد نبوده اما از جهاتی از حقوق و امتیازات بسیاری بهره‌مند میگرددیده است.

مادر در خانواده مقام بزرگی داشت و بانوی مقتدري بود که کارهای خانه را با اختیار کامل انجام میداد و در تربیت و سرپرستی فرزندان با پدر مشارکت داشت.

ازدواج که بنا بر آیین زردشت امر مقدسی بود برای زن و مرد وظایفی معین می‌کرد که آنان بایستی طبق آن عمل نمایند. تعدد زوجات در صورتیکه وضع مالی مرد اجازه می‌داد معمول بود. نکاح پنج نوع بود و درجاتی داشت که از همه کاملتر پادشاه زن بود که نکاح براضیت پدر و مادر انجام می‌گرفت و شوهر پادشاه زن نمیتوانست زن دیگری بگیرد مگر موافقی که قانون به او اجازه می‌داد. سهم این زن از ارث مطابق سهم پسرانش بود و دختران نصف سهم می‌بردند (۴).

زن حق مالکیت داشت و می‌توانست قیم پسر خود باشد. زن می‌توانست از بد رفتاری شوهر بداد گاه شکایت کند و داد گاه گواهی زن را می‌پذیرفت. پدر و مادر نمی‌توانستند دختری را مجبور به ازدواج با مردی نمایند و اگر دختر به عروسی حاضر نمی‌شد پدر حق محروم کردن وی را از ارث نداشت. در مورد جدایی و طلاق می‌بایستی زن و مرد هر دو راضی باشند تا داد گاه جدایی آنان را تصویب کند. اگر از مردی پس از مرگ وصیت نامه‌ای بدست می‌آمد،

رتال جامع علوم انسانی

۱- این نقاشی مربوط به قرن اول میلادی است.

۲- نسا اولین پایتخت اشکانی در نزدیکی عشق آباد کنونی است.

۳- بیشتر این مجسمه‌ها در موزه بغداد است.

۴- چهار نوع نکاح دیگر عبارت بودند از (اوک زن) یا یگانه زن، دختری که تنها

فرزند پدر و مادر بوده (چکر زن) زنی بیوه که شوهر دیگری اختیار می‌کرده. خودسر زن دختری که بی‌اجازه مادر و پدر شوهر می‌نموده دیگر ستر زن مردی که بدون فرزند می‌مرد خویشاوندانش دختری را به عقد آن مرد درمی‌آوردند و بعد او را به مرد دیگری میدادند و نام وی را بر پسر اول می‌گذاشتند تا روان مرده شاد شود.

طبق خواسته او عمل می‌شد، در صورتیکه اجرای وصیت‌نامه به ضرر زن و فرزند وی نباشد. از وضع اجتماعی و حقوقی و وظایف زن در کتابهای دینی و حقوقی که از دوره ساسانی به جای مانده بسیار سخن رفته است که از همه آنها ماتیکان هزارداتستان کاملتر می‌باشد (۱). آثار بسیار مهمی از دوره ساسانی موجود است مانند حجاریها و مهرها و موزائیکها و سکهها و ظروف سیمی و زرین که با نقش زنان تزیین یافته است.

در نقوش برجسته بهرام دوم در نقش رستم و سرمشهد ملکه در کنار شاهنشاه ساسانی قرار دارد. بر سکه‌های این شاهنشاه نیز تصویر نیم‌رخ ملکه با تاج گوهر نشان زیبایی نقر است. در نقش برجسته نرسی (۲) الهه آناهیتا با لباس مجلل و تاج باشکوه حلقه نشانه سلطنت را بوی اعطای کند.

در نقوش طاق‌بستان در صحنه شکار گاه خسرو پرویز نوازندگان زن بر سکویی نشسته‌اند و عده دیگر در قایق بنواختن چنگ اشتغال دارند.

نقوش متعددی از زنان و شاهزاده خانمها و راه‌شکران و رقاصان در مجالس بزم یا شکار شهریاران ساسانی بر ظروف فلزی کنده کاری شده است که سیمای واقعی و آرایش و تزیینات لباس آنان را به نظر می‌رساند.

در موزائیکهای مکشوفه در بیشاپور (۳) نقوشی از زنان بحالت مختلف به دست آمده است که از زیبایی و تناسب اندام برخوردار می‌باشند.

در دوره ساسانی زنان نه فقط نقش مؤثری در جامعه و بین همه طبقات داشته‌اند بلکه به بالاترین مقام رسیده و سلطنت کرده و اداره مملکت را بدست گرفتند. مانند ملکه پوران دخت و آذر میدخت دختران خسرو پرویز.

متأسفانه در دوران سلطنت این دو ملکه دستگام مملکتی وضع نابسامانی داشت و آنان نتوانستند آنچه باید ابراز لیاقت نمایند (۴).

رساله جامع علوم انسانی

۱- قسمتهایی از این کتاب را مستشرقینی مانند بارتولومه (Bartolomaie) آلمانی و (وست) West انگلیسی ترجمه نموده اند ولی متن کامل آن را سهراب جمشید بلسارا به انگلیسی ترجمه نموده که در سال ۱۹۳۲ در بمبئی به چاپ رسید.

۲- این نقش برجسته در نقش رستم است.

۳- بیشاپور نزدیک کازرون فارس است.

۴- چون پوران دخت بشاهی نشست کار مملکت را نینکو ضبط کرد و زنی بادانش بوده ورعیت را تالف کرد و همه رعایا از او شاد بودند. زین الاخبار گردیزی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران صفحه ۱۲۹.

از ملکه پوران رخت سکه‌هایی باقی است که معرف برزندگی و زیبایی اوست. قدر مسلم آن است که در این دوره زن از بسیاری از مزایای حقوقی و اجتماعی برخوردار بوده است. بنابراین مستندات می‌توان نتیجه گرفت که در تمام ادوار چه ماقبل تاریخ و چه دوران‌های تاریخی زن نقش مهمی در جامعه کشورها داشته و همیشه مورد احترام بوده است.

فهرست منابع

- ۱- گدار (A. Godar) هنر ایران
- ۲- کریستن سن ایران در زمان ساسانیان
- ۳- گیرشمن پارس‌ها
- ۴- گیرشمن پارت و ساسانی
- ۵- گیرشمن ایران از آغاز تا اسلام ترجمه دکتر معین
- ۶- اومستد شاهنشاهی ساسانی ترجمه محمد مقدم
- ۷- دیاکونوف اشکانیان ترجمه کریم کشاورز
- ۸- دیاکونوف تاریخ ماد ترجمه کریم کشاورز
- ۹- مشیرالدوله پیرنیا ایران باستان
- ۱۰- پور داود اوستا - یشتها
- ۱۱- دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه
- ۱۲- آمیت (P. Amiet) ایلام (عیلام) ترجمه دکتر شیرین بیانی
- ۱۳- اینوستراتسف (K. Ynostrantsev) مطالعه درباره ساسانیان ترجمه کاظم زاده
- ۱۴- گردیزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی زن الاخبار
- ۱۵- بلعمی تاریخ طبری با حواشی دکتر مشکور
- ۱۶- ملک‌زاده بیانی زن در آثار باستانی ایران (مجله سپیده فردا شماره مخصوص صفحه ۱۰ - ۱۴)
- ۱۷- ملک‌زاده بیانی سکه‌های ملکه پوران دخت مجله بررسی‌های تاریخی مجلد سال چهارم شماره اول (صفحه ۱ - ۱۶)